



شهید امیر علی هیودی در کنار فرزندانش



فرزندان شهید جعفر هادی



شهید نادر حمید در کنار فرزندانش



شهید محمود بیضایی در کنار فرزندش



شهید توفیقیان در کنار فرزندش



شهید مهدی ثامنی در کنار فرزندش



شهید جواد محمدی مفرد در کنار فرزندش



شهید سراجی در کنار فرزندانش



فرزندان شهید علی اکبر عربی



شهید مهدی علیدوست در کنار فرزندش



شهید محسن فانوسی در کنار فرزندش

در حسرت نگاه نوروزی پدر؛ وقتی من هم بابا داشتم

شاهد

شیان، از خرمن آسمان، مشیت، مشیت، ستاره چید. می شود... پله پدر که باشد ناممکن ها هم در نگاهت شدنی است اما...
دوم: خوب نگاه کنید. خواهش می کنم، خوب نگاه کنید. آنانی که معنای پدر را می فهمند خوب نگاه کنند. آن هایی که فرزند را می فهمند خوب نگاه کنند. آن هایی که عشق را می فهمند نگاه کنند... این حقیقت عشق است، زلال زلال. خود عشق است، بی غبار بی غبار. اصلاً 'عشق بزرگ تر' است و حکایت یار نکوتر... چنانکه

مولوی بزرگ فرمود: نبرد عشق را جز عشق دیگر / چرا یاری نگیری زو نکوتر...؟ و این عشق نکوتر است. شرح مردانی که به عشق خدا، از عشق زن و فرزند و زندگی گذشتند و به خط خطر زدند تا حرم بماند و حریم بماند و دین بماند. خوب نگاه کنید. این جاعشق را سرخ معنای کنند چونان پدران شهید. و این جاصبر و راضا را سبز معنا می کنند چون خانواده شهدا، چون فرزندان شهدا... سوم: تو عین طبیعت زلالی. عین طبیعت آیت خدایی. آیت الهی. من تو را چنین می بینم که در آغوش پدر، به

شاخه ای تر و تازه می مانی که بر درختی تناور روئیده است. شاخه ای که چون جانمایه از ریشه های درخت می گیرد، به دست های دراز شده و نیازمند میوه می بخشد. میوه هم که نباشد، برگ هایش را سایه بان می کند برای آسایش مردم. در کنار پدر که می ایستی، به رستاک می مانی که از پای درخت می جوشد و قد می کشد. درخت می شود و به رسم درخت بزرگ میوه می دهد... چهارم: نوروز در راه است و مردمان سین های سفره خود را آماده کرده اند و منتظرند سفره را پهن کنند. من اما

سفره ام را جمع کرده ام و برایم چغیه ات مانده است و سلامی وسیعی که از نگاه تو می چینم و سر سفره می گذارم. سومین سین سفره من، سکه است که با عشق تو شرب می شود. سبزه، خاطرات همیشه سبزی است که تا همیشه از تو می ماند پدر. برای من همین چند سین بس است تا سفره غریبانه نوروزی ام را پهن کنم. بقیه سین ها باشد برای سر سلامتی آنهایی که تو جانت را فدای سلامتی شان کردی. حالا بدانند یا ندانند فرقی نمی کند. یک روز خواهند فهمید اگر تو نمی رفتی، باید

در خاک خودمان یا ترورست ها می جنگیدند. چنانکه امروز برخی ها فهمیده اند اگر در دفاع مقدس با صدام نمی جنگیدیم شاید امروز نام صدام را روی برخی بچه ها می گذاشتند...
پنجم: نوروز در پیش است و من، با چند سین سال را آغاز می کنم و همان را نیز در یک سین خلاصه می کنم تا به مردم سلام و برای سر سلامتی شان دعا کنم... نوروز آن هایی که پدر دارند مبارک تر باد...
عکس ها: فارس



فرزند شهید یار محمد مردانی



فرزند شهید علیرضا نوری



شهید علی کنعانی در کنار فرزندش



شهید محمد علی اربابی در کنار فرزندانش



شهید اینانلو در کنار فرزندش



فرزند شهید حسن غفاری



شهید محمد جهرمی استحکامی در کنار فرزندانش



شهید محسن حیدری در کنار فرزندش



فرزندان شهید بادا در کنار حاج قاسم سلیمانی



شهید حجت اسدی در کنار فرزندانش



شهید عبدالصالح زارع در کنار فرزندش



شهید مهدی حیدری



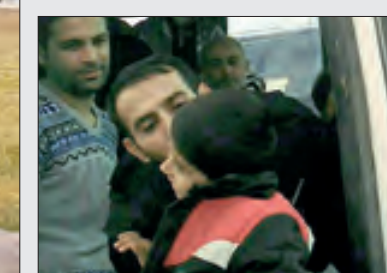
شهید عبدا... باقری در کنار فرزندانش



شهید احمد عطایی در کنار فرزندش



شهید علی اصغر شیردل در کنار فرزندش



فرزندان شهید فیروز حمیدی



شهید علی سلطان مرادی



فرزند شهید حمید اسدالهی